

پیام اعضای هیئت حزب کمونیست ایران به کنفرانس سوم اتحاد سوسیالیستی کارگری که توسط رفیق محمد نبوی قرائت گردید

رفقای عزیز شرکت کننده در سومین کنفرانس اتحاد سوسیالیستی کارگری!

از جانب خود و اعضای هیئت حزب کمونیست ایران که در این اجلاس شما شرکت دارند، برگزاری سومین کنفرانس سازمانتان را صمیمانه تبریک میگوئیم و امیدواریم که کنفرانسی از هر لحاظ پربار و موفق داشته باشید. همچنین این امید را نیز داریم که مناسبات اتحاد سوسیالیستی کارگری و حزب کمونیست ایران براساس هم نظری و آرمانهای مشترک، در آینده، هرچه نزدیکتر و مستحکمتر گردد. ما اطمینان داریم که این نزدیکی و استحکام رابطه ما و شما، ادای سهم با ارزشی خواهد بود در خدمت به شکل گیری یک قطب سوسیالیستی کارگری در ایران و امیدواریم هر دو طرف با درک مسئولیتهایی که در این راه بر عهده داریم، با روشن بینی و سعه صدر و روحیه انقلابی و کمونیستی موانع موجود را از پیش پا برداریم.

رفقا! مسلماً مهمترین مساله مورد بحث در کنفرانس شما پرداختن به شرایط سیاسی و مبارزات طبقاتی جاری در ایران خواهد بود. اما من اجازه نمیخواهم از این فرصتی که به من داده اید استفاده کنم و به نکاتی اشاره نمایم که شاید در حاشیه این بحثها قرار میگیرد. اما از آنجا که تصور میکنم این نکات به امری خدمت خواهد کرد که یکی از مشغله های با اهمیت در درون حزب ما را هم تشکیل میدهد، اشاره و تاکید روی آنها را ضروری میدانم.

همگرایی نیروهای چپ و کمونیست و فعالیت متحدانه در جنبش کارگری و سوسیالیستی ایران مساله ای است که هم از جانب ما و هم از جانب شما در فرصتهای مختلف مورد بحث قرار گرفته، بنابراین من در اینجا نمیخواهم سیاستها و استراتژی هایمان را در این زمینه مورد نقد قرار دهم و یا تشریح کنم. کاری که در جای خود حتما لازم و ضروری است. من اجازه نمیخواهم معیارهایی را یاد آوری کنم که از نظر ما پایه های هرنوع اعتماد و ائتلاف و همکاری بین نیروهای رادیکال و سوسیالیست را تشکیل میدهد. این معیارها از نظر ما عباتند از:

۱) داشتن نگاهی انتقادی به گذشته

همه ما کمونیست هائی هستیم که تاکنون هرچه در توان داشته ایم در خدمت به آرمانهای کارگری و کمونیستی در طبق اخلاص نهاده ایم. کمونیستها در جامعه ما به حق به عنوان انسانهای وفادار، راستگو، پاک باخته، برابری خواه و طرفدار عدالت و مردم زحمتکش شناخته شده اند، اما در مسیری که پیموده اند و راهی که رفته اند مرتکب اشتباهاتی شده اند، که بعضاً اجتناب پذیر و یا اجتناب نا پذیر بوده است.

ما این گذشته را بازبینی میکنیم، آن را به تیغ بی رحمانه نقد صادقانه و انقلابی میسپاریم تا از آن برای پیشروی های بعدیمان نیرو بگیریم.

جریان ما که اکثریت قریب به اتفاق رفقای حاضر در این اجلاس از فعالین و کادرهای رهبری آن در گذشته و حال بوده و هستند، به چنین روندی احتیاج دارد.

۲) حضور سیاسی در همه لحظات مبارزات توده ای و انقلابی که در جامعه ما در جریان است.

ما هرگز جریانی نبوده ایم که دلمان را به تئوریا و دیدگاههای نظریمان خوش کرده باشیم. ما در عین اعتقاد به حقانیت ارزیابی ها و تحلیلهای نظریمان، جریانی دخیل در مسائل حاد و روزمره، مربوط به سرنوشت جامعه بوده ایم.

این حضور سیاسی، زنده و فعال هرگز نبایستی از دست برود و یا کم رنگ شود. نه تنها در نقطه عطفها و لحظات تعیین کننده، بلکه در جای جای مبارزه سیاسی و طبقاتی جاری، حضور ما و جریان ما بایستی ملموس و موثر وجود داشته باشیم.

۳) نمایندگی کردن یک خط اصولی سوسیالیستی و کارگری.

جهان ما در سالهای آغاز هزاره سوم، دگرگونیهای فراوانی بخود دیده است، سقوط شوروی، پایان جنگ سرد و دوران یکه تازی امپریالیسم امریکا، دوره واقعا جدیدی است. جریان سوسیالیستی و کارگری باید بتواند بیان روشن بینانه و درستی از این شرایط را بدست بدهد و به یک خط سیاسی و فکری منسجم در این زمینه دست یابد.

اگر چه جریان ما در مجموع در مقام مقایسه، خط روشن و قابل اتکائی را نمایندگی میکند، اما بهیچ وجه در این زمینه کلام آخر گفته نشده و راه تا پایان پیموده نشده است. بدون داشتن این خط سیاسی روشن، قادر نخواهیم بود که نقشی را که شایسته کمونیستهاست در مبارزه طبقاتی جاری در جامعه ایران ایفا کنیم.

ما باید دست بدست هم دهیم و نبردکنان به همه زوایای یک خط کارگری سوسیالیستی در متن مبارزه طبقاتی جاری در ایران بپردازیم. بدون داشتن این خط سیاسی حاصل همه انقلابی گریها، فداکاریها و از خود گذشتگی ها به سادگی به جیب طبقات دیگر خواهد رفت.

۴) زنده نگهداشتن معیارها و ارزشهای انقلابی کمونیستی.

همه آنچه که بدان اشاره شد، در گرو پراتیک انقلابی و رفتار انقلابی و زندگی انقلابی و ارزشهای انقلابی است. ما با مولفه های این خصوصیت کمونیستی در گذشته نه چندان دور آشنا بوده ایم. اکنون در عصری زندگی میکنیم که متاسفانه بسیاری از آنها به باد فراموشی سپرده شده اند و یا حتی گاهها به مسخره گرفته میشوند. واقعیت این است که تئوری انقلابی بدون پراتیک انقلابی، یعنی بدون وجود انسانهایی که به این ارزشها پایبند باشند راه به جایی نخواهند برد.

از اینرو، امروز که از وحدت کمونیستها صحبت میکنیم لازم است که در پایان کلام مان این ارزشهای پر افتخار و گاهها فراموش شده را نیز یاد آوری کنیم.

رفقای عزیز!

اتحاد سوسیالیستی کارگری در طی یکی، دو سال گذشته فعالیتهای روشنگرانه و انقلابی با ارزشی انجام داده است. امیدواریم این اجلاس نیز به سهم خود بتواند در همین راستا گامهای بلند به جلو بردارد.

**برایتان آرزوی سرفرازی و موفقیت دارم
۵ آگوست ۲۰۰۳**